

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 5, Summer 2021, 1-17
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.6618

A Critique and Review on the Book **“Scythians Warriors of Ancient Siberia”**

Shahin Aryamanesh*

Sorour Khorashadi**

Abstract

The Scythians tribes were one of the nomadic tribes inhabiting large areas in the central Eurasian steppes from about the 9th century BC up until the 4th century AD. These tribes moved into parts of present-day Iran after many displacements in the first millennium BC. These tribes have played important role in central Eurasian steppes and in Persian and part of India. What scholars know about the Scythians tribes based on the writings of Herodotus. These people have played an important role in Persian and Indian epics, as well as in various historical periods of Iran, such as the Iron Age and Achaemenid and Parthian periods. Their presence in Iran has been illustrated by at least the name of one of the Iranian cities, Sakestan or Sistan, which is the name of these people. Few archaeological findings in Iran have been attributed to Scythians. However, in recent years, new burial grounds have been found which shed new light on the Scythian's presence in Persia and central Eurasian that appears to confirm the writing of historians. In recent years many articles and books have been published about Scythians based on archaeological findings. Recently a new book has been published entitled *Scythians Warriors of Ancient Siberia*. This paper critically reviews this book edited by St. John Simpson and Svetlana Pankova.

Keywords: Scythians, Horse, Burial, Ancient Siberia, Scythians Warriors

* PhD in Archaeology, Historical Era, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran,
Aryamanesh_shahein@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Archeology, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.khorashadi@modares.ac.ir

Date received: 07/02/2021, Date of acceptance: 15/06/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقد و بررسی کتاب جنگجویان سکایی در سیبری باستان

A Review of *Scythians warriors of ancient Siberia*

شاهین آریامش*

سُرور خراشادی**

چکیده

تیره سکایی را تیره‌ای از مردمان ایرانی دانسته‌اند که در مرزهای خوارزم، خاستگاه ایرانیان، خانه‌به‌دوش زندگی می‌کردند. آنان از مرزهای خوارزم و سیبری غربی روی به سوی جنوب نهادند و در پایین‌دست‌ها سکنتی گزیدند و سپس دسته‌ای از آنان به شمال‌غرب ایران وارد شدند. این تیره در حماسه‌های ایرانی همچون شاهنامه و نیز در دوره‌های گوناگون تاریخی ایران همچون عصر آهن، هخامنشی و اشکانی نقش مهمی داشته‌اند. حضور آنان در جنوب‌شرقی ایران در دوره اشکانی چنان بوده است که دست‌کم نام یکی از شهرهای ایران یعنی درنگیانا به خاطر آنان به نام سیستان مرده‌ریگی تغییر می‌یابد. نیز یافته‌های باستان‌شناسی چندی از محوطه‌های گوناگون در ایران به این تیره بازخوانده شده است که هنوز هم درباره آن یافته‌ها قلم‌فرسایی می‌شود. درباره این تیره کتاب‌ها و مقاله‌هایی در سال‌های گذشته براساس یافته‌های باستان‌شناسی به زبان‌های گوناگون انتشار یافته است. به تازگی نیز کتابی تحت عنوان *Scythians warriors of ancient Siberia* منتشر شده است که اگرچه بر سرزمین سیبری تمرکز دارد و به دیگر سرزمین‌ها نپرداخته است، ولی با وجود این نقصان،

* دکترای باستان‌شناسی، دوران تاریخی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران،

Aryamanesh_shahein@yahoo.com

** استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

s.khorashadi@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

آگاهی‌های ارزنده‌ای از این تیره بر پایه جستارهای تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی می‌دهد. در این مقاله، کتاب مورد بحث معرفی و نقاط قوت و ضعفش بیان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سکاها، اسب، جنگاوران سکایی، سبیری باستان، خاکسپاری.

۱. مقدمه

سکاها قبیله‌ای جنگاور از قبایل باستانی بودند که در تکوین و سیر تطور تاریخ ایران باستان، نقشی بسزا داشته‌اند؛ اما به تاسی از رخدادهای آرام‌آرام این قوم کهن و پراوازه تاریخ، در میان اقوام پیرامون خود مضمحل شدند؛ به طوری که دیگر رد و نشانی از آنان جز اشارات پراکنده‌ای در کتب تاریخ باقی نمانده است؛ البته علت اصلی این امر را باید در ویژگی اصلی این قوم یعنی بیابانگردی و عدم توطن جستجو کرد. به دلیل عدم استقرارشان در یکجا، منابع تحقیقی در باب احوال و فرهنگ این قوم بیابانگرد، منحصر به مقبره‌های بزرگان سکایی و اشارات پراکنده در تواریخ همسایگان آنهاست. از مهم‌ترین نکاتی که در باب سکاها بایستی خاطر نشان کرد، یکی پراکنش وسیع و گستره حضور این خانه‌به‌دوشان و بیابانگردان و دیگری، کثرت نام‌هایی است که در هر منطقه بدان شناخته می‌شدند (طاهری، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵).

گروسه پژوهشگر فرانسوی بر این باور است که سکاها از مرغزارهای خوارزم و سبیری غربی به سوی جنوب حرکت کرده و در پایین دست‌ها ساکن شدند (گروسه، ۱۳۶۵: ۳۳ و ۳۴) و سپس پیشروی خود را به سوی کرانه‌های دریای کاسپی ادامه دادند. این تیره در زبان فارسی ساکا (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵)، در زبان آشوری اشکوازی، در زبان هندی چاکا، در زبان چینی سای (Bailey, 2009: 67) و در زبان یونانی اسکوسای (Gershevitch, 1985: 253) یا اسکوتھوی (گروسه، ۱۳۶۵: ۳۳) نامیده شده‌اند.

اگرچه بیلی بر این باور است که سکاها هنگام مهاجرت، سه دسته اصلی بودند (Bailey, 2009: 67)، سنگ‌نبشته هخامنشی بیستون کرمانشاه، از چهار دسته سکا نام می‌برد. سکاها پَرَدَریه یا سکاها آن سوی دریا، سکاها تیزخود یا تیگره‌خوده، سکاها هوم‌نوش یا هئومه ورگا و سکاها پَرَسوغدَم یا آن سوی سغد. سکاها آن سوی دریا سکاها غربی بودند و باقی در شرق دریای کاسپی می‌زیستند (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۳۷-۳۵).

رد پای این تیره در شمال غرب ایران نیز دیده می‌شود؛ چنانکه در متن‌های تاریخی بازتاب یافته و به گفته تاریخ‌نگاری چون هرودوت هنگامی که سکاها رو به سوی جنوب

آوردند، از راه دربند به قفقاز رسیدند، پس از گذر از قفقاز با آشوریان روبه‌رو شدند و در حدود سال ۶۷۸ پیش از میلاد نبردی بین این دو تیره در گرفت که سکاها ناکام شدند (گروسه، ۱۳۶۵: ۸۷). این رویداد در کتیبه‌های آشوری نیز انعکاس یافته است؛ چنانکه اسرحدون پادشاه آشوری در کتیبه‌هایش برای نخستین بار به این تیره اشاره می‌کند و از تاختن ایشپاکای شاه سکاها به آشور سخن می‌گوید (Luckenbill, 1927: 516-546). پس از ایشپاکای، پرتوآ شاه سکاها شد و با تدبیر، خود را به اسرحدون آشوری نزدیک کرد. این نزدیکی باعث شد که سکاها با چراغ سبز آشوریان در حدود ۶۳۸ پیش از میلاد به شمال آسیای کهن بتازند و واپسین بازماندگان کیمریان را سرکوب کنند (گروسه، ۱۳۶۵: ۳۸). در کشمکش‌های سیاسی و نبردهای نظامی تیره‌های گوناگون در میانه‌های هزاره اول پیش از میلاد، فرورتیش پادشاه مادی به آشور اعلان جنگ داد. برای این کار نخست پارس‌ها را تحت انقیاد خود درآورد و سپس با جلب یاری خداوندان پیشین‌ده دو ایالت مجاور خود قیامی را علیه آشور ترتیب داد. قیام به سرعت گسترش یافت و آشوریان بخش زیادی از سرزمین ماد را که در تصرف خود داشتند، از دست دادند. رایزنی‌های آشوریان با سکاها که متحد مادها در این قیام بودند، باعث خروج سکاها از اتحادیه به نفع آشوریان شد؛ بنابراین جریان قیام ناتمام ماند (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۴۷). با این حال، فرورتیش توانست مهم‌ترین نواحی ماد را از زیر دست آشور نجات دهد و در سه ایالت بیت‌کاری، مادای و ساپاردا دولت واحدی تأسیس کند و پادشاهی مستقل ماد را برپا نماید (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۵۳-۲۵۲). دگربار فرورتیش در سال ۶۵۳ پیش از میلاد به آشور تاخت (Randa, 1954: 278) اما در نبرد میان مادها و آشوریان، مادیس پسر بارتاتوا که شاه سکاها شده بود به یاری آشوریان شتافت و به قلمرو ماد تاخت و فرورتیش را سرنگون کرد (گروسه، ۱۳۸۷: ۳۸). چنانکه هرودوت می‌گوید مادیس پادشاه سکایی ۲۸ سال به فرمانروایی پرداخت (Herodotus, 2009: 33) که سرانجام هوشتره شاه مادی، پادشاه سکاها یعنی مادیس را همراه با سرکردگانش به مهمانی فراخواند، همه را مست کرد و کشت (دیاکونوف، ۱۳۸۶: ۲۶۶). نشان و رد پای این تیره در دوره هخامنشی، اشکانی و نیز در متن‌های حماسی همچون شاهنامه دیده می‌شود. همچنین بسیاری از روایت‌های سکایی به دلیل فرمانروایی سکایان بر بخش‌هایی از هندوستان به مه‌بهارات حماسه‌هندیان نیز رخنه کرده است (به ادامه بنگرید).

بر خلاف سبیری و دیگر سرزمین‌هایی که سکاها در آنجا حضور داشته‌اند، یافته‌های باستان‌شناسی اندکی از حضور سکاها در ایران وجود دارد که می‌توان به گورستان کلورز در رودبار گیلان (حاکمی، ۱۳۴۷ و ۱۳۹۶) و خرم‌آباد مشگین‌شهر (رضالو و آیرملو، ۱۳۹۳؛ رضالو و آیرملو، ۱۳۹۴) اشاره کرد. با این حال، یافته‌های باستان‌شناسی در دیگر مناطق همچون روسیه و قفقاز بسیار چشمگیر است و پژوهشگران، پژوهش‌های ارزنده‌ای درباره این تیره و یافته‌های باستان‌شناسی منسوب به آنان انجام داده‌اند که به صورت مقاله و کتاب منتشر شده است. جدیدترین مقاله‌ای که تا زمان نگارش این سطور درباره این تیره انتشار یافته نوشته ایوانچیک است که با عنوان *Scythians* در دانش‌نامه ایرانیکا در سال ۲۰۱۸ میلادی به چاپ رسیده است.

یکی از کتاب‌هایی که سال‌ها پیش درباره سکاها منتشر شده است، کتاب سکاها نوشته تامارا تالبوت رایس متخصص تاریخ هنر روسی تبار انگلستان است که در سال ۱۹۵۷ میلادی انتشار یافته و در سال ۱۳۷۰ خورشیدی به فارسی ترجمه شده است (رایس، ۱۳۷۰). از کتاب‌های دیگر در زمینه سکاشناسی می‌توان به کتاب سرگئی رودنکو اشاره کرد که با عنوان *Frozen Tombs of Siberia, the Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen* در سال ۱۹۷۰ میلادی منتشر شده است. پژوهش‌های بوریس پیتروفسکی نیز بسیار مهم‌اند؛ چنانکه کتاب *From the Lands of the Scythians: Ancient Treasures from Frozen Tombs: The Museums of U.S.S.R., 3000-100 B.C* را در سال ۱۹۷۶ و کتاب *Culture and Art of the Ancient Tribes of Siberia* را در سال ۱۹۷۸ میلادی منتشر کرد. کتاب دیگری در این زمینه *Scythian Gold: Treasures From Ancient Ukraine* است که الن ریدر در سال ۱۹۹۹ آن را منتشر ساخته است. جدیدترین کتابی که درباره تیره سکایی و یافته‌های باستان‌شناسی آن انتشار یافته کتاب *Scythians warriors of ancient Siberia* به کوشش جان سیمسون و سوتلانا پانکوا است که در این مقاله به معرفی و بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲. درباره کتاب و نویسندگان

کتاب *Scythians warriors of ancient Siberia* به کوشش جان سیمسون و سوتلانا پانکوا را انتشارات تیمز و هادسون در ۳۶۸ صفحه به صورت رنگی و صفحه‌های روغنی در سال ۲۰۱۷ میلادی چاپ کرده است. این اثر جدیدترین و به‌روزترین کتابی است که درباره

تیره سکایی منتشر شده است. کتاب به مناسبت برگزاری نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی موجود در موزه هرمتاژ سنت پترزبورگ روسیه در موزه بریتانیا از ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ میلادی با عنوان *Scythians warriors of ancient Siberia* انتشار یافته است که پشتیبان مالی آن شرکت نفتی بی‌پی است.

کتاب در ۹ فصل تدوین شده و دربردارنده سه مقدمه، یک پیشگفتار، یادداشت‌ها و نمایه است. در آغاز، مقدمه شرکت نفتی بی‌پی و سپس مقدمه فیشر رئیس موزه بریتانیا در لندن و در ادامه مقدمه میخائیل پیتروفسکی رئیس موزه هرمتاژ سنت پترزبورگ آمده است. پیشگفتار کتاب به قلم جان سیمپسون و سوتلانا پانکوا است.

فصل نخست کتاب با عنوان سکاهای در اوراسیا نوشته آندری الکسی‌یف استاد باستان‌شناسی است. الکسی‌یف که پیشتر به عنوان پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ مشغول به فعالیت بوده است دکتری خود را با پژوهش درباره آرامگاه‌های پادشاهی سکایی در چرتوملیک دریافت کرده است. او ۲۰۰ مقاله و ۸ کتاب درباره تیره سکایی نگاشته است.

دومین فصل کتاب مجموعه سیبری پتر بزرگ تزار روسیه نام دارد. این فصل به قلم بانو کرولکوا نگاشته شده است. او نیز پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است و در زمینه فرهنگ کوچ‌نشینان باستان و هنر سکایی و سرمتی به پژوهش پرداخته است. وی بیش از ۲۰۰ مقاله در این زمینه‌ها به رشته تحریر درآورده است.

نخستین کوچ‌نشینان آسیای مرکزی و سیبری جنوبی نام فصل سوم این کتاب است که کنستانتین چاگنوف آن را نگاشته است. چاگنوف پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است. او از سال ۱۹۷۷ میلادی در تووا و نیز در دامنه‌های کوهستان آلتایی به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخته است.

فصل چهارم کتاب سیمای شخصی نام دارد که نگاشته استپانوا و بانو پانکوا است. استپانوا پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ و مسئول مجموعه پازیریک است. پانکوا نیز پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است و بیشتر به فعالیت‌های باستان‌شناسی در تووا و سیبری جنوبی پرداخته است.

فصل پنجم کتاب با عنوان خوردن و آشامیدن و زندگی هرروزه نوشته جان سیمپسون و استپانوا است. جان سیمپسون مسئول ارشد گروه خاورمیانه در موزه بریتانیا است و کاوش‌های بسیاری در خاورمیانه و فرارودان انجام داده است.

جنگجویان کوهستان نوشته چاگنوف، رجب‌کوا و سیمپسون نام فصل ششم کتاب است. چاگنوف پژوهشگر گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است. بانو تاتیانا رجب‌کوا مسئول مجموعه سکایی در گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است که سرپرست فعالیت‌های باستان‌شناسی در کوبان جنوبی و شمال‌غرب قفقاز نیز بوده است.

فصل هفتم کتاب مرگ و خاکسپاری نام گرفته که آن را کرولکوا نوشته است. سکاها و ارتباطات فرهنگی آنان نام فصل هشتم کتاب است که به قلم چهار نویسنده یعنی الکسی یف، کرلکوا، رجب‌کوا و استپانوا نگاشته شده است.

فصل نهم کتاب، از پس سکاها، به قلم نیکولاو و پانکوا است. نیکولای نیکولاو پژوهشگر ارشد گروه باستان‌شناسی اروپای شرقی و سیبری در موزه هرمتاژ است. یادداشت‌های هر فصل نیز در انتهای کتاب به صورت جداگانه آمده است و در پایان نیز نمایه منتشر شده است.

با توجه به اینکه بیشینه محوطه‌های سکایی و آثار و یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به این تیره در قلمرو روسیه امروزی به دست آمده است، باستان‌شناسان روسی تلاش بسیاری می‌کنند تا این یافته‌های ارزنده معرفی شوند. در واقع، این کتاب حاصل پژوهش‌های سکا‌شناسی است که سالیان متمادی را در این میدان به بررسی و فعالیت پژوهشی پرداخته‌اند و هم‌زمان با نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی در بریتانیا دستاوردهای خود را به صورت تکنوگاری شایان توجهی منتشر کرده‌اند که آگاهی‌های سودمندی به علاقه‌مندان این تیره و مخاطبان این حوزه می‌دهد.

۳. نقد ابعاد شکلی اثر

کتاب در قطع خشتی بزرگ چاپ شده است. جلد کتاب از جنس سخت و آبی‌رنگ است که آن را پوشش یا کاور کاغذی سیاه‌رنگی دربر گرفته است. بر کاور نقش اسب‌سوار زرین سکایی خودنمایی می‌کند که پس‌زمینه آن آسمان تاریکی با ستاره‌های رخشان است. پشت جلد کتاب نیز دسته زرین شمشیری ترسیم شده که انتهای دسته شمشیر سر دو قوچ پشت

به هم دیده می‌شود. روی دستۀ شمشیر نیز نقش جانور خیزبرداشته‌ای در دو ردیف شش‌تایی حک شده است و چنین طراحی جلدی، جلوه‌ای ارزنده و منحصر به فرد به اثر بخشیده است. کتاب در بردارنده پیشگفتار و هدف اصلی اثر است که همانا معرفی تیره سکایی به صورتی جامع بر پایه جستارهای تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی است. همه کتاب بر برگ‌های روغنی چاپ شده است و تمامی تصویرها و نقشه‌های آن به صورت رنگی است مگر عکس‌های قدیمی که به صورت سیاهوسفید چاپ شده‌اند. موزه بریتانیا در اقدامی شایسته از آثار مربوط به سکایان عکس‌های ارزنده و با کیفیتی تهیه کرده است؛ بنابراین تصویرهای کتاب همگی از کیفیت مناسبی برخوردار است و صفحه‌آرایی آن نیز بسیار مطلوب انجام یافته است. قلم خوبی برای نگارش انتخاب شده و قطع کتاب نیز با توجه به تصویرهای به نسبت بزرگ آن بسیار مناسب است. ناشر در چاپ این کتاب که پشتیبان مالی آن شرکت نفتی بی‌پی است سنگ تمام گذاشته و آن را در شکل و شمایلی زیبا منتشر کرده است که می‌تواند الگویی برای چاپ کتاب‌هایی از این دست برای ناشران ایرانی باشد.

شیوه استناددهی کتاب به صورت یادداشت در پایان هر فصل است؛ هرچند بهتر آن بود نویسندگان از استناددهی درون‌متنی که متداول است بهره می‌بردند. همچنین کتاب فاقد کتاب‌نامه است و این یکی از کاستی‌های آن به شمار می‌رود. نویسندگان صرفاً به یادداشت‌های پایان‌بخش هر فصل بسنده کرده‌اند که این نوع استناددهی کار خوانندگان را برای یافتن مقاله‌ها و کتاب‌ها دشوار می‌سازد. با این حال، نویسندگان از جستارهای مربوط در این زمینه همچون کتاب و مقاله به خوبی سود جست‌ه‌اند و بیشینه جستارهای معتبر، موثق و دست‌اول را دیده و خوانده‌اند. فزون بر این، در استناددهی نیز حق امانت را رعایت کرده‌اند.

۴. نقد محتوایی کتاب

کتاب از ساماندهی و تدوین بسیار خوبی برخوردار است؛ چنانکه فصل نخست به کیستی تیره سکایی، خاستگاه و جایگاه آنان در اوراسیا می‌پردازد که آغازی مناسب برای معرفی سکاهاست. پس از آن در فصل دوم به پیدا شدن مجموعه‌ای از یافته‌های سکایی در سیبری و معرفی آنها پرداخته می‌شود. این مجموعه که متعلق به پتر بزرگ یا پتر یکم تزار

روسیه بود دربردارنده ۲۴۰ دست‌ساخته زرین است که به فرهنگ تیره کوچ‌نشین سکایی و سرمتی تعلق دارد. این بخش که به صورت بلندبالایی شرح داده شده است به نخستین فعالیت‌های باستان‌شناسی در این زمینه می‌پردازد و شکل‌گیری تدریجی سکاشناسی را مرور می‌کند.

فصل سوم به نخستین کوچ‌نشینان آسیای مرکزی و سیبری جنوبی اختصاص دارد که نویسندگان باستان در نوشته‌هایشان به آنان اشاره کرده‌اند و هر یک از نامی ویژه برای آنان بهره برده‌اند. در ادامه که فصل چهارم است ویژگی‌های فرهنگی سکاهای بررسی می‌شود و نویسندگان با سود جستن از نوشته‌های تاریخی همچون تاریخ هرودوت و نیز یافته‌های باستان‌شناسی همچون سنگ‌نوشته بیستون، نقش هدیه‌آوردندگان سکایی در آپادانای تخت‌جمشید، نقش روی ظرف‌ها، پیکرک‌ها، گورها و چیزهایی از این دست به بازسازی ویژگی‌های فرهنگی سکاهای همچون نوع جامه، پوشش، زیورآلات و شیوه خاکسپاری و... می‌پردازند. آیین خاکسپاری تیره سکایی از آیین‌های ویژه‌ای بوده است که در نوشته‌های تاریخی بازتاب یافته است. این راه و رسم خاکسپاری سکاهای تنها در میان مردمان دیگر تیره‌ها زبازد بوده بلکه در دوره حاضر نیز چشم‌های پژوهشگران به ویژه باستان‌شناسان را به خود خیره کرده است. خاکسپاری‌هایی که در آن مرده را همراه با اسب‌های چندی به خاک می‌سپردند. هرودوت چنین بیان کرده است که هنگام خاکسپاری پادشاه، اسب، خدمتکار و هم‌خوابه وی را قربانی می‌کردند و همراه با جام‌های زرین او به خاک می‌سپردند (هرودوت، ۱۳۶۲: ۲۷۳-۲۷۱). این خاکسپاری‌های ویژه در بسیاری از کاوش‌های باستان‌شناسی به دست آمده است که به نوعی در تأیید گفته‌های مورخان است (بنگرید به Ivantchik, 2018)؛ چنانکه ایوانچیک در مقاله‌اش به نمونه‌های بسیاری اشاره کرده است.

فصل پنجم به شیوه زندگی سکاهای می‌پردازد و آن را با شیوه زندگی مردمان قزاقستان در سده نوزدهم میلادی در فرارودان می‌سنجد. در فصل ششم با استناد به نوشته‌های تاریخی و نیز شمایل‌نگاری یافته‌های باستان‌شناسی، جنگجویان سکایی و سازوبرگ‌های نظامی آنان همچون کمان، خنجر، سپر، تبر، پیکان، شمشیر و چیزهایی از این دست بررسی و شماری از اشیاء آنان معرفی می‌شود. در فصل هفتم با بهره بردن از بقایای باستان‌شناسی، شیوه خاکسپاری سکاهای و نوع گورهای آنان بررسی می‌شود. فصل هشتم به برهم‌کنش‌های فرهنگی سکاهای با دیگر تیره‌ها در اوراسیا اختصاص دارد و به همسنجی یافته‌های سکایی با

یافته‌های دیگر قوم‌ها می‌پردازد و تأثیر و تأثر آنها را واکاوی می‌کند؛ برای نمونه در این فصل گل‌نوشته‌های یافت‌شده از محوطه قویونجیک در نینوا در شمال عراق که هر رمز رسام در آنجا به کاوش باستان‌شناسی پرداخته بود، گنجانده شده است که در آن به ارتباط و اتحاد آشوریان و سکایان اشاره می‌شود. در این گل‌نوشته‌ها از ازدواجی سیاسی سخن رفته است؛ چنانکه پرتوآ شاه سکایی از دختر اسرحدون برای پسرش خواستگاری می‌کند که گویا پاسخ اسرحدون به درخواست او مثبت بوده است و این ازدواج به اتحاد دو تیره می‌انجامد. این ازدواج سیاسی باعث ایستادگی مادیس در برابر دشمنان آشوریان شده است. واپسین فصل نیز برآیندی ارزنده درباره سکاهاست.

بنا بر آنچه گفته شد نظامی منطقی بر سرتاسر کتاب حکم فرماست و فصل‌ها به ترتیب از پس هم آمده است. نام و فهرست کتاب با مطالب و فصل‌های آن منطبق است و از دید جامعیت محتوایی به نسبت موفق بوده است. اگرچه کتاب درباره سکاها و یافته‌های آنان در سیبری است و گاه از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران که به نوعی در پیوند با سکاهاست، بهره برده است، با این حال بهتر آن بود که اگر نه یک فصل، دست‌کم بخشی از نوشته‌های یکی از فصل‌ها به حضور سکاها در ایران نیز اختصاص می‌یافت.

می‌دانیم که برخی پژوهشگران ریشه مشترک بسیاری از داستان‌های شاهنامه فردوسی و حماسه ملی چین با عنوان فنگشن‌ینی را در روایت‌های تیره‌های سکایی می‌دانند که از پس پراکنش آنان به سوی ایران و چین این روایت‌ها وارد حماسه‌های ملی ایرانیان و نیز چینیان شده است؛ چنانکه برخی از داستان‌ها همچون نبرد میان پدر و پسر در داستان رستم و سهراب و داستان زال در این دو حماسه ایرانی و چینی مشترک است (کویاجی، ۱۳۵۰).

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد سکاها در هزاره نخست پیشازمیلاد در شمال‌غرب ایران حضور بسیار مهمی داشته‌اند. همچنین در دوره هخامنشی، داریوش بزرگ به نبرد با آنان پرداخت و سکونخای سکایی رهبر سکاها را تیزخود را شکست داد. شکست دادن سکونخای سکایی چنان رویداد مهمی بود که داریوش دستور داد تا متن عیلامی سنگ‌نوشته بیستون را پاک کنند و آن را در سمت چپ قسمت پایین کنار متن تازه فارسی باستان بیاورند و نقش سکونخای سکایی را به انتهای صف اسیران نقش برجسته بیستون بیفزایند (کخ، ۱۳۸۶: ۳۵). داریوش بزرگ در پی سکاها به غرب و شمال‌غرب دریای سیاه لشکر کشید که او در این نبرد به پیروزی و کامیابی دست نیافت. تاریخ‌پژوهان، تاریخ‌های گوناگونی برای این رویداد پیشنهاد کرده‌اند که معمولاً بین سال‌های ۵۲۰ تا ۵۰۷ پیشازمیلاد

است؛ اما تاریخی که به نظر درست می‌رسد به احتمال زیاد ۵۱۳ پیش از میلاد است که پیر بریان بیان کرده است (Briant, 2002: 141-46, 904)

این تیره همچنین در دوره اشکانی حضور پررنگی داشتند؛ چنانکه فرهاد دوم برای نبرد با آنتیوخوس هفتم شاه سلوکی دسته‌های نظامی سکایی را به عنوان مزدور فراخواند؛ اما پیش از رسیدن سکاها، نبرد پایان یافت؛ از همین‌روی شاه اشکانی آنان را سرزنش کرد که به عمد تأخیر داشته‌اند و دست‌مزد آنان را نپرداخت؛ بنابراین سکاها دست به ویرانی زدند و فرهاد دوم با هدف گوشمالی دادن آنان به نبردشان رفت اما در سال ۱۲۸ پیش از میلاد کشته شد (شیپمن، ۱۳۸۶: ۶۵). سپس تر سکاها در سال ۱۳۰ پیش از میلاد در جنوب شرقی ایران در زرنگ سکنی گزیدند (Curtis and Stewart, 2007:28) و نام این اقلیم به سگستان و سپس سیستان تغییر یافت (بهار، ۱۳۷۴: ۵۰). شماری از پژوهشگران این احتمال را قائل‌اند که خاندان سام و زال و رستم در شاهنامه فردوسی همان سکاها هستند که در زمان مهرداد دوم از فرغانه به درنگیان کوچیدند (رامسکوویچ، ۱۳۶۲: ۱۹۱). همچنین اگر از یافته‌های منسوب به سکاها در کاوش‌های جدیدی که در شمال غرب ایران در محوطه خرم‌آباد مشگین‌شهر انجام شده است (بنگرید به رضالو و ایرملو، ۱۳۹۳؛ رضالو و ایرملو، ۱۳۹۴) چشم‌پوشی کنیم -چرا که اطلاعات مربوط به آنها، هم به تازگی منتشر شده و هم به زبان فارسی است و استفاده غیرفارسی‌زبانان را دشوار می‌کند- بر کاوش‌های علی حاکمی در رودبار گیلان نمی‌توان چشم پوشاند که مقاله‌ای هرچند کوتاه درباره محوطه‌های باستانی رودبار همچون کلورز و یافته‌های آن به زبانی غیر از فارسی منتشر کرده بود (بنگرید به Hakemi, 1968)؛ چنانکه النا کوزمینا باستان‌شناس سرشناس روسیه در کتاب پرآوازه‌اش *The Origin of the Indo-Iranians* با استناد به همین یافته‌ها به تحلیل موضوع پرداخته است (Kuzmina, 2007: 367). در واقع، نویسندگان این کتاب می‌توانستند به پژوهش‌هایی که به ارتباط تیره سکایی با ایرانیان تمرکز دارند و نیز دست‌کم به تلاش‌های اندکی که در ایران درباره شناخت این تیره انجام شده است، اشاره کنند.

همچنین نویسندگان این کتاب می‌توانستند به دودمان هندی سکایی اشاره‌ای داشته باشند و از یافته‌های باستان‌شناسی آنان که در افغانستان به دست آمده است، سود جویند. می‌دانیم که سکاها افزون بر زرنگ، کابل را نیز گرفتند و پس از آن بخش‌هایی از هندوستان را به زیر پرچم خود درآوردند و حکومتی را بنیان نهادند که به حکومت هندی سکایی پرآوازه شد (Neelis, 2007). فرمانروایی سکاها باعث شد که بسیاری از روایت‌های سکایی به

نقد و بررسی کتاب جنگجویان سکایی در سیبری باستان ... (شاهین آریامنش و سرور خراشادی) ۱۳

مهابهارات حماسه هندیان رخنه کند (دارمستر، ۱۳۵۴: ۱۷-۳۳) و افزون بر آن، بر بسیاری از آثار هنری آنان نیز تأثیر نهاد.

هرچند پیشتر کتاب‌هایی همچون سکاهای نوشته تامارا تالبوت رایس (۱۳۷۰)، امپراطوری صحرانوردان نوشته رنه گروسه (۱۳۶۵)، *Iranians and Greeks in south Russia* نوشته میخائیل ایوانویچ روستوفتسف که در سال ۱۹۲۲ یا *Nomads of the Eurasian Steppes in the Early Iron Age* که به کوشش دیویس-کیمبل و ولادیمیر باشیلوف و لئونید یابلونسکی در سال ۱۹۹۵ میلادی انتشار یافته است و نیز کتاب *Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron-Age Horsemen* نوشته سرگئی رودنکو در بردارنده نوشته‌ها و مقاله‌هایی درباره کوچ‌نشینانی چون سکاهای و سرمت‌ها منتشر شده بود، با این حال کتاب مورد بحث هم‌چنین از دید علمی و چه از دید فنی کتابی به‌روز است که در عین بهره‌بردن از جستارهای تاریخی و یافته‌های باستان‌شناسی و نیز همسنجی یافته‌های باستان‌شناسی محوطه‌های سکایی با دیگر محوطه‌های همانند، از ابزارهای مناسب یعنی تصویرها و نقشه‌های عالی برای تفهیم موضوع سودجسته است. اگرچه برخی تصویرهای چاپ‌شده در کتاب پیشتر نیز در کتاب‌های دیگری منتشر شده بود، ولی در این کتاب تصویرها با کیفیتی کم‌بدیل، با جزئیات و اندازه دقیق آثار چاپ شده است که این جزئیات نه تنها راه‌گشای باستان‌شناسان و تاریخ‌شناسان در پژوهش‌هایشان است، بلکه مخاطبان عام نیز می‌توانند این کتاب را بخوانند و آگاهی‌های ارزنده‌ای درباره سکاهای کسب نمایند.

چنانکه پیشتر نیز گفته شد سکاهای با دیگر تیره‌های ایرانی پیوندی تنگاتنگ داشته‌اند و در برهه‌هایی از تاریخ این سرزمین نقش مهمی بازی کرده‌اند (بنگرید به بالا)؛ زین‌روی این کتاب برای خواننده ایرانی نیز سودمند است؛ چراکه می‌تواند تاریخ و زندگی و هنر این تیره را در دیگر سرزمین‌ها دریابد.

روش این پژوهش از نوع پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناسی است؛ چنانکه پژوهشگران در گام نخست از متن‌های کهن همچون تاریخ هرودوت و ... بهره‌برده‌اند و در ادامه یافته‌های باستان‌شناسی همچون تدفین، معماری، نقش‌های حک‌شده روی آثار زرین و سیمین و چیزهایی از این دست که از محوطه‌های سکایی به دست آمده است را بررسی، واکاوی و تحلیل کرده‌اند.

نویسندگان همچنین از رهیافت تاریخی یاری جسته‌اند تا از طریق همسنجی اطلاعات، شواهد و مدارک تاریخی با شواهد و داده‌های باستان‌شناختی به دست آمده از پژوهش‌های

میدانی در محوطه‌های باستانی و به‌کارگیری آنها در تبیین و تفسیر اطلاعات گردآوری‌شده، تاریخ سکاییان باستان را بازسازی کنند.

۵. نتیجه‌گیری

اگرچه کتاب جنگجویان سکایی در سیبری باستان به مناسبت برگزاری نمایشگاه آثار باستان‌شناسی سکایی موجود در موزه هرمتاژ سنت‌پترزبورگ روسیه در موزه بریتانیا که از ۱۴ نوامبر ۲۰۱۷ تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۸ میلادی دایر بود، منتشر شده است، ولی فقط به یک کاتالوگ رنگین که معرفی از آثار زرین و سیمین و چشم‌نواز باشد، فروغ‌نعلیده است و نویسندگان در همتی ستودنی تلاش کرده‌اند تا آگاهی‌های ارزشمندی از تیره سکایی، شیوه زیست، ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و خاکسپاری آنان بر پایه نوشته‌های تاریخی و نیز یافته‌های باستان‌شناسی ارائه کنند.

در یک ارزیابی کلی و همه‌جانبه، این اثر در قطع خشتی بزرگ، با جلد سخت به رنگ آبی چاپ شده است که آن را پوشش یا کاور کاغذی سیاه‌رنگی احاطه کرده است. کتاب بر برگ‌های روغنی نوشته شده و همه تصاویرها و نقشه‌های آن به صورت رنگی است؛ مگر عکس‌های قدیمی که سیاه‌وسفید هستند. تصاویرهای کتاب همگی باکیفیت، صفحه‌آرایی اثر بسیار مطلوب و قلم نگارش آن نیز مناسب است؛ همچنین قطع کتاب در تناسب و هماهنگی کامل با تصاویرهای به نسبت بزرگ آن لحاظ شده است.

از منظر انسجام مطالب، کتاب از تدوین و ساماندهی مطلوبی برخوردار است و فصل‌های آن در نظامی منطقی به ترتیب از پس هم آمده است. اگرچه اثر درباره سکاهای یافته‌های آنان در سیبری است و گاه از یافته‌های باستان‌شناسی مربوط به ایران که به نوعی در پیوند با سکاهاست، سود جسته است، با این حال بهتر آن بود که به حضور سکاهای ایران اشاره‌ای بیشتر می‌داشت. چنانچه از کاوش‌های جدید محوطه سکایی خرم‌آباد مشگین‌شهر به دلیل متأخر بودن و فارسی بودن آن چشم‌پوشی کنیم، کاوش‌های علی حاکمی در رودبار گیلان را نمی‌توان نادیده انگاشت که مقاله‌ای هرچند کوتاه درباره محوطه‌های باستانی رودبار همچون کلورز و یافته‌های آن به زبانی غیر از فارسی منتشر کرده بود. در واقع، شایسته بود نویسندگان این کتاب دست‌کم به تلاش‌های اندکی که در ایران برای شناخت تیره سکایی انجام شده است نیز اشاره‌ای داشته باشند. فزون بر این، نویسندگان می‌توانستند به دودمان هندی سکایی نیز بپردازند و از یافته‌های باستان‌شناسی

آنان که در افغانستان به دست آمده است، استفاده نمایند. نظر به موارد پیش گفته، می‌توان چنین ادعان داشت که یکی از کاستی‌های کتاب این است که نویسندگان اهمیت چندانی به سکاها در دیگر سرزمین‌ها نداده‌اند و صرفاً به اشاره‌هایی کوتاه درباره آنها بسنده کرده‌اند. شیوه استناددهی کتاب به صورت یادداشت در پایان هر فصل است؛ شیوه‌ای که خوانندگان را برای یافتن مقاله‌ها و کتاب‌ها به زحمت می‌اندازد؛ پس بهتر می‌بود استناددهی درون‌متنی که شیوه‌ای مرسوم و متداول است، به کار گرفته می‌شد. یکی دیگر از کاستی‌های وارده بر کتاب، نداشتن کتاب‌نامه است. با این حال، نویسندگان از بیشینه جستارهای معتبر و دست‌اول مرتبط با موضوع سود جست‌ه‌اند و در استناددهی نیز حق امانت را رعایت کرده‌اند.

ارجاعات

- بهار، مهرداد (۱۳۷۴). جستاری چند در فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران: فکر روز.
- حاکمی، علی (۱۳۴۷). "اشیاء فلزی مکشوفه در کلورز گیلان"، یادنامه پنجمین کنگره بین‌المللی باستان‌شناسی و هنر ایران، تهران، اصفهان، شیراز، ۲۲ تا ۲۹ فروردین ۱۳۴۷، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، صص ۱۶-۲.
- حاکمی، علی (۱۳۹۶). گزارش کاوش‌های رودبار گیلان، ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷ خورشیدی، به کوشش شاهین آریامنش، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- دارمستر، م، ژ (۱۳۵۴). "وجوه مشترک مهابهارات و شاهنامه"، ترجمه جلال ستاری، هنر و مردم، شماره ۱۵۳، صص ۱۷-۳۳.
- دیاکونوف، ایگور میخائیلوویچ (۱۳۸۶)، تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رامسکوویچ، الکساندر (۱۳۶۲). "حماسه در ایران باستانی و ایران کنونی"، هزاره فردوسی، تهران: دنیای کتاب، ۱۹۸-۱۹۴.
- رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۳). "آیین تدفین اسب در میان اقوام سکایی، مطالعه موردی گورستان خرم‌آباد مشکین‌شهر"، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۶، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۱۳.
- رضالو، رضا و یحیی آیرملو (۱۳۹۴). "شواهد باستان‌شناختی جدید از حضور تاریخی اقوام سکایی در ایران"، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، شماره ۲۸، صص ۱۷-۳۲.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

طاهری، محمد (۱۳۹۱). "جایگاه و تأثیر قوم سکایی در تاریخ و شاهنامه فردوسی"، متن‌شناسی ادب فارسی، سال چهل و هشتم، دوره جدید، شماره (پیاپی ۱۳)، ۱۴۶-۱۲۵.
کخ، هاید ماری (۱۳۸۶). *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: کارنگ.
گویاجی، جهانگیر (۱۳۵۰). "افسانه‌های شاهنامه و مشابه چینی آنها"، ترجمه جلیل دوستخواه، فرهنگ و زندگی، شماره ۷، صص ۶۳-۴۸.
گروسه، رنه (۱۳۶۵). *امپراطوری صحرانوردان*، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
هرودوت (۱۳۶۲). *تاریخ هرودوت*، ترجمه انگلیسی جرج راولینسن، ترجمه فارسی غ. وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

Bailey, H.W (2009). *Indo-scythian Studies Being Khotanese Texts*, Cambridge University Press .
Barnett, R.D (1956), the treasure of Ziwie, Iraq, vol.18, pp: 111-118.
Briant, Pierre (2002). *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, Winona Lake, In.
Curtis, Vesta Sarkhosh and Sarah Stewart (2007). *The Age of the Parthians*. London: I.B. Tauris.
Gershevitch, I (ed.) (1985). *The Cambridge History of Iran*, Vol. 2: The Median and Achaemenian Periods, Cambridge: Cambridge University Press.
Herodotus (2009). *The Histories*, Transl. by George Rawlinson, London: Digireads.
Ivantchik, Askold (2018), "SCYTHIANS", *Encyclopædia Iranica*, online edition.
Kuz'mina, Elena E (2007). *The Origin of the Indo-Iranians*, Edited by J.P. Mallory, Leiden, BRILL.
Luckenbill, D. D (1927). *Ancient recordso f Assyria and Babylonia*, Vol. 2, Chicago.
Neelis, Jason (2007). "Passages to India: Śaka and kusāna Migration Routes in Historical Contexts", Srinivasan, Doris (ed). *On the Cusp of an Era: Art in the Pre-Kushan World*: Brill, 55-94.
Randa, Alexander (1954). *Handbuch der Weltgeschichte*. vol. 1. Zürich: Otto Walker.
Simpson, St. John and Svetlana Pankova (2017). *Scythians warriors of ancient Siberia*, London: Thames and Hudson/The British Museum.

کتاب‌نامه

رایس، تامارا تالبوت (۱۳۷۰). *سکاها*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: یزدان.

Hakemi, Ali (1968). *Kaluraz and the civilization of the Medes*. Archaeologia viva I.
Piotrovsky, Boris (1976). *From the Lands of the Scythians: Ancient Treasures from Museums of U.S.S.R., 3000-100 B.C.*, Metropolitan Museum of Art.

نقد و بررسی کتاب جنگجویان سکایی در سیبری باستان ... (شاهین آریامنش و سرور خراشادی) ۱۷

Piotrovsky, Boris (1978). *Frozen Tombs: The Culture and Art of the Ancient Tribes of Siberia*, British Museum Press.

Reeder, Ellen. D (1999). *Scythian Gold: Treasures From Ancient Ukraine*, Harry N. Abrams.

Rostovtzeff, Michael Ivanovitch (1922). *Iranians and Greeks in south Russia*, London, Oxford University Press.

Rudenko, Sergei I (1970). *Frozen Tombs of Siberia, the Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen*, translated and with a preface by M. W. Thompson, University of California Press, Berkeley and Los Angeles.

Simpson, St John, Pankova, Svetlana (2017). *Scythians: warriors of ancient Siberia*, Thames & Hudson.

